

تئوری توطئه؛ پدیده‌ای فراگیر و جهانی

نویسنده: دکتر زاهد غفاری هسجین *

* استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد

چکیده

در حالی که توطئه به‌عنوان یک عمل عینی، برنامه‌ریزی پنهانی و اقداماتی است که با اتکا به روش‌های غیرقانونی، غیراخلاقی و معمولاً غیرمسالمت‌آمیز برای پیشبرد اهداف و مقاصد خاص به قیمت لطمه زدن به منافع و حقوق دیگران به‌کار گرفته می‌شود، در مقابل، تئوری توطئه آن روش تبیینی و ذهنی است که بر مبنای پنداری - غالباً موهوم - از نقش توطئه‌گران در ذهنیت توطئه‌اندیشان برای تجزیه و تحلیل حوادث و رخدادها شکل می‌گیرد. تئوری توطئه عمدتاً دارای سه رکن اصلی توطئه‌گران، توطئه‌باوران و مبنای تحلیل و مفروضات است. تئوری توطئه، پدیده‌ای منحصر به منطقه یا کشورهای خاصی از جهان نیست، بلکه پدیده‌ای است فراگیر و جهانی که در جوامع مختلف وجود دارد و ناشی از علل و عوامل گوناگون است. شواهد و نمونه‌های زیادی از تئوری‌های توطئه را می‌توان در کشورهای مختلف دنیا مشاهده کرد. در امریکا ترور جان اف. کندی، گسترش ویروس ایدز، ماهیت بشقاب پرنده‌ها، پخش مواد مخدر، حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر و... نمونه‌هایی هستند که در میان برخی افراد و گروه‌های امریکایی در چارچوب توطئه‌باوری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در انگلستان مثلاً از کشته شدن جورج اول در هانور آلمان، کشته شدن پرنسس دایانا همسر سابق ولیعهد انگلیس توسط برخی به‌عنوان تئوری توطئه یاد می‌شود. وقوع انقلاب فرانسه، و نگرش آلمان‌ها به یهودیان از دیگر مصادیق تئوری توطئه است. برخی از صاحب‌نظران تئوری توطئه معتقدند که تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر توطئه‌باوری در خاورمیانه بیش از سایر کشورهای دنیا است و نمونه‌هایی را در این باره ذکر می‌کنند. با بررسی برخی جوامع دیگر نیز درمی‌یابیم که تئوری توطئه پدیده‌ای گسترده و جهانی و دارای اشکال و انواع متنوع است.

واژه‌های کلیدی: توطئه، تئوری توطئه، توطئه‌گر، توطئه‌باور، فرهنگ سیاسی، سبک پارانویدی، دست پنهان، شواهد توطئه‌باوری

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال نهم - شماره ۳۶

دی ۱۳۸۰

گروهی یا ملی به قیمت لطمه زدن به منافع و حقوق دیگران در یک کشور و یا در سطح بین‌المللی است [۲]. توطئه به این معنا (به شکل عینی و واقعی) از ابتدای خلقت بشر تاکنون در اشکال و ابعاد متنوع وجود داشته و به‌عنوان ابزاری مخصوصاً در حوزه سیاست مورد استفاده قرار گرفته است.

ولی تئوری توطئه معادل اصطلاح «conspiracy theory»

مقدمه
معنای لغوی توطئه آماده کردن، با هم ساختن، زمینه‌سازی و مقدمه چیدن برای وصول به امری است [۱]. معادل کلمه انگلیسی توطئه «conspiracy» است. توطئه عبارت است از برنامه‌ریزی پنهانی و اقداماتی که با اتکاء به روش‌های غیرقانونی، غیراخلاقی و معمولاً غیرمسالمت‌آمیز صورت می‌گیرد و هدف از آن، پیشبرد اهداف و مقاصد فردی یا

دانسته می‌شدند، ولی در نیمه سده بیستم، جای خود را به یهودی‌ها، کمونیست‌ها و مأموران داخلی آن‌ها دادند [۴]. اما در تئوری‌های توطئه خاورمیانه، عمدتاً امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و فراماسونرها نقش توطئه‌گری را ایفا می‌کنند.

۲. رکن دوم تئوری توطئه را توطئه‌باوران تشکیل می‌دهند. توطئه‌باوران به برخی افراد، اقوام، گروه‌ها و کانون‌هایی گفته می‌شود که در تحلیل‌ها و تبیین‌هایی که از خود درباره حوادث و وقایع پیرامون خود ارائه می‌دهند و در تفسیر و توضیح پدیده‌ها و اتفاقات بر یک عامل (توطئه) تأکید دارند و حوادث را ناشی از توطئه‌چینی و توطئه‌پردازی توطئه‌گران می‌پندارند [۵]. از دیدگاه‌های مختلف، مصادیق توطئه‌باوران در جوامع و کشورهای گوناگون متفاوتند، ولی افراد و گروه‌های زیر بیش‌تر در این باره مورد اشاره و توجه هستند: بنیادگرایان مذهبی اعم از یهودی‌ها و مسیحی‌ها و مسلمان‌ها، ناسیونالیست‌های افراطی، محافظه‌کاران راست‌گرا، چپ‌های افراطی، اقلیت‌های قومی و نژادی، سیاستمداران اهل توطئه‌گری سیاسی و افرادی که بنابه دلایلی از تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی عاجز و ناتوانند.

۳. رکن سوم تئوری توطئه به مبانی تحلیل و مفروضات تئوری توطئه اختصاص دارد. در استنتاجات و تبیین‌های تئوری توطئه، شرایط و مراحل متداول در روش‌شناسی و روش‌شناخت علمی رعایت نمی‌شود [۶] و اساساً شیوه استدلال فرد دچار توهم و توطئه‌باور با سبک استدلال فردی که عاقلانه و عادلانه به تبیین و توضیح وقایع می‌پردازند، متفاوت است. برای مثال، توطئه‌باوران در تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر توطئه‌باوری تبیین‌های خود را بر مبنای مفروضات خاصی ارائه می‌دهند؛ از جمله این‌که: (۱) توطئه عامل محرکه تاریخ است؛ (۲) هدف کسب قدرت است؛ (۳) سود بردن نشانه دست داشتن است؛ (۴) هیچ چیزی تصادفی اتفاق نمی‌افتد؛ (۵) ظاهر امور فریبدهنده است [۷].

با توجه به مطالب مذکور، سؤال اصلی این مقاله عبارت است از این‌که: آیا تئوری توطئه صرفاً به منطقه یا کشورهای خاصی از دنیا تعلق دارد یا پدیده‌ای فراگیر و جهانی است؟ فرضیه تحقیق این است که تئوری توطئه اختصاص به منطقه یا کشورهای خاصی ندارد، بلکه در

در زبان انگلیسی است که مترادف‌هایی نیز برای آن بیان شده است: از قبیل سبک پارانوئیدی (paranoid style)، توطئه‌اندیشی یا توطئه‌باوری (conspiracy thinking)، ذهنیت توطئه‌اندیش (conspiracy mentality) و ذهنیت دست‌پنهان (the hidden hand mentality). از تئوری توطئه، تعبیر و تعریف‌های مختلفی به عمل آمده است، ولی تعاریف ارائه شده در این باره همانند سایر تعاریف حوزه علوم اجتماعی، استاندارد و مورد توافق همگان نیست و تا حدی هم گیج‌کننده است [۳]. تعریف ما از تئوری توطئه عبارت است از: چارچوب و پارادایمی از تجزیه و تحلیل وقایع، حوادث و پدیده‌های حیات بشری که طبق آن، تنها عامل مؤثر و رقم‌زننده سرنوشت این‌گونه وقایع و حوادث در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره، دست‌های پنهان، اقدامات و نقشه‌های پلید و غالباً مخفیانه توطئه‌گران - اعم از قدرت‌ها و کشورهای بزرگ و برخی افراد و گروه‌ها و انجمن‌های پنهانی و کانون‌های توطئه‌گر - است که برای رسیدن به اهداف شوم خود در تلاش و تکاپو هستند.

با توجه به تعاریف مذکور باید بین توطئه و تئوری توطئه تفاوت قائل شد. در حالی که توطئه یک عمل عینی، واقعی و ابزاری در خدمت سوء استفاده توطئه‌گران است، تئوری توطئه آن روش تبیینی و ذهنی است که بر مبنای پنداری - غالباً موهوم - از نقش توطئه‌گران در ذهنیت توطئه‌اندیشان برای تجزیه و تحلیل حوادث و رخدادها شکل می‌گیرد. تئوری توطئه عمدتاً متشکل از سه رکن اصلی توطئه‌گران، توطئه‌باوران و مبانی تحلیل و مفروضات است.

۱. توطئه‌گران به قدرت‌ها، کشورها، افراد، گروه‌ها و کانون‌های پنهان و آشکاری اطلاق می‌شود که نقش توطئه‌چینی و توطئه‌گری را در تئوری‌هایی توطئه‌عده‌دار هستند. درخصوص این‌که مصادیق و شواهد عینی توطئه‌گران کدام است، بسته به جوامع و کشورهای مختلف پاسخ‌ها و مصادیق متفاوتی را می‌توان بیان کرد. به عنوان مثال، به نظر ریچارد هافستادر، نیروهای دست راستی آمریکا در طی تاریخ گمان کرده‌اند که کشور آمریکا به کام یک توطئه بین‌المللی رانده می‌شود. به نظر او در سبک پارانوئیدی سیاست آمریکایی در قرن نوزدهم، توطئه‌گران و عوامل اصلی این توطئه‌ها فراماسون‌ها و کاتولیک‌ها

استالینی و هیتلری، ده‌ها میلیون نفر را از بین بردند. این‌گونه صدمات و خسارت‌های ناشی از تئوری‌های توطئه در تاریخ به حدی وسیع و گسترده است که تمام اشتباهات و عملکردهای منفی ناشی از تئوری‌های توطئه در سایر کشورها از جمله منطقه خاورمیانه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در قرن اخیر می‌توان شواهد و نمونه‌های زیادی از تبیین‌های مبتنی بر توطئه‌باوری را در بین کانون‌ها و گروه‌های مختلف اروپایی و آمریکایی جستجو کرد و امروزه این‌گونه تئوری‌های توطئه با وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا جان تازه‌ای به خود گرفته است.

الف- تئوری‌های توطئه در آمریکا

نسبت دادن نابسامانی‌های اجتماعی به توطئه عمدی دشمن، یکی از سنت‌های سیاسی آمریکایی است که به تاریخ ۱۷۶۰ میلادی باز می‌گردد. این پدیده با پخش شایعاتی در مورد یک نقشه و برنامه بریتانیایی برای از بین بردن حقوق مستعمره‌نشین‌ها آغاز شد و با نظریه‌های مربوط به ترور جان اف. کندی (J.F.K) ادامه یافت [۸].

تئوری‌های توطئه آمریکایی را می‌توان در بین نیروهای دست راستی آمریکایی، مانند گروه‌های فراماسونری و کاتولیک در قرن نوزدهم مشاهده کرد. در قرن بیستم نیز گروه‌هایی مثل یهودیان، کمونیست‌ها و ایادی داخلی آن‌ها متهم به توطئه‌گری بودند. توطئه‌اندیشان آمریکایی بر این باورند که ایادی داخلی یهودیان و کمونیست‌ها در نهادها و پست‌های حساس آمریکایی نفوذ کرده‌اند. مثلاً آنان روی کار آمدن اشخاصی مثل آیزنهاور را ناشی از توطئه کمونیسمی به منظور تسلط بر آمریکا می‌دانند [۹]. تئوری‌های گوناگون و متنوعی در خصوص توطئه در ایالات متحده آمریکا وجود دارد و البته این‌گونه تئوری‌ها در میان برخی گروه‌های اجتماعی و نژادی از جمله سیاهپوستان بیش‌تر است [۱۰]. شواهد و نمونه‌های تاریخی نشان می‌دهد که این‌گونه تئوری‌های آمریکایی در دوران بروز بحران اضطراب و احساس ناامنی روبه تزايد گذاشته است. مشهورترین نمونه‌ای که در این باره از تاریخ گذشته آمریکایی‌ها می‌توان ذکر کرد ترور جان اف. کندی، رئیس‌جمهور سابق آمریکا است. به ادعای برخی، بیش از دو

فرهنگ سیاسی کشورهای مختلف دنیا کم و بیش موجود است، ولی شواهد و مصادیق مربوط به افراد و گروه‌های توطئه‌گر و توطئه‌باور تفاوت می‌کند. برای ارزیابی این فرضیه و پاسخ به سؤال مذکور سعی کردیم با استفاده از منابع موجود، شواهد و مصادیقی از تئوری توطئه را در برخی از کشورهای مختلف دنیا به‌عنوان نمونه بیان کنیم.

شواهد و نمونه‌هایی از تئوری توطئه در کشورهای مختلف دنیا

تئوری توطئه در جوامع مختلف ممکن است ناشی از علل و عوامل مختلف تاریخی، فرهنگی، روان‌شناختی، سیاسی و جامعه‌شناختی باشد، ولی از جمله این‌گونه عوامل می‌توان به نارضایتی‌های سیاسی و بدبینی‌های فرهنگی ناشی از سیاست‌های حاکم، ترس و تنفر از قدرت کانون‌ها و گروه‌های توانمند و متنفذ جهانی و توطئه‌های واقعی متنوع در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ابعاد داخلی و بین‌المللی اشاره کرد. این‌گونه عوامل و زمینه‌های مشابه در کشورهای مختلف به تدریج سبب پیدایش ذهنیت توطئه‌باور در برخی گروه‌ها و افراد گردیده و به نوبه خود موجب پیدایش تئوری‌های توطئه بی‌شماری مخصوصاً در دوران بروز بحران‌ها، مشکلات و نابسامانی‌ها در جوامع شده است. برای این که نشان دهیم تئوری‌های توطئه در کشورهای مختلف دنیا شایع است، نمونه‌ها و مصادیقی از آن را در کشورهای آمریکا، اروپا و سپس خاورمیانه ذکر می‌کنیم:

۱. تئوری‌های توطئه در آمریکا و اروپا

هر چند در اکثر نوشته‌ها و آثار مربوط به تئوری‌های توطئه سعی بر این است که این پدیده بیش‌تر به کشورهای جهان سوم و به‌ویژه خاورمیانه نسبت داده شود، ولی شواهد تاریخی بیانگر این مطلب است که تئوری‌های توطئه در سال‌های ۱۷۵۰ تا ۱۹۵۰ در اروپای غربی و آمریکا به‌طور گسترده رواج داشته است و مثال‌ها زیادی از این‌گونه افکار را درباره انجمن‌ها و کانون‌های پنهان، کارتل‌های بانکی و توطئه‌های یهودیان می‌توان پیدا کرد. این‌گونه باورهای توطئه‌آمیز به نوبه خود پیامدها و نتایج فاجعه‌آمیز بسیاری در اروپا نسبت به سایر کشورهای دنیا به‌دنبال داشته است. در همین خصوص، نظام‌های استبدادی و فاشیستی

دیگر امریکایی، ادعای جامعه سیاهپوستان امریکا مبنی بر این است که کنترل میزان زاد و ولد، بهانه‌ای برای مهار رشد جمعیت سیاهپوستان و در نهایت کنترل میزان قدرت و توانایی آن‌ها در جامعه امریکا است [۱۹]. از میان دیگر تئوری‌های توطئه در میان مردم امریکا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نیروی هوایی امریکا به منظور مخفی کردن ماهیت بشقاب پرنده‌ها توطئه می‌کند [۲۰]. ژاپنی‌ها تلاش می‌کنند اقتصاد امریکا را نابود کنند [۲۱]. دولت امریکا آگاهانه مواد مخدر را در اختیار جوانان قرار می‌دهد [۲۲]. رهبران ایالات متحده امریکا طی دوران جنگ سرد در سطح گسترده چه در داخل امریکا و چه در سطح بین‌المللی، خطر تهدیدات اتمی و هسته‌ای شوروی و گسترش کمونیسم را با تبلیغات وسیع دامن می‌زدند و بزرگ می‌کردند تا زمینه فروش سلاح به کشورهای اقماری خود و ایجاد پیمان‌های نظامی را فراهم کنند و همچنین با تبلیغات وسیع در این باره بتوانند برخی از طرح‌های براندازی و تغییر نظام‌ها را در کشورهای دیگر دنبال کنند. لیندن لاروش (Linden Larouche) و هواداران او که از توطئه‌پردازان و شایعه‌سازان مشهور هستند کتاب‌ها و مقالاتی منتشر کردند و در آن‌ها مقامات بلند پایه امریکایی - از کاخ سفید گرفته تا شوروی امنیت ملی و وزارت خارجه - را ستون پنجم دستگاه جاسوسی انگلستان نامیدند که به اشاره ارباب خویش یعنی انگلستان، انقلاب اسلامی را تدارک دیده‌اند [۲۳]. یا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برخی سیاستمداران امریکا، تئوری توطئه‌ای دربارهٔ بنیادگرایی اسلامی را مطرح کردند تا از اسلام و جمهوری اسلامی به عنوان دشمن فرضی استفاده کرده، کشورهای منطقه را از بنیادگرایی ایرانی بترسانند و آنان را به سوی خود جذب کنند. این‌گونه تئوری‌های توطئه امریکایی با وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و انتساب آن به گروه‌های مسلمان شکل گسترده‌ای به خود گرفته است.

در ایالات متحده امریکا، تئوری‌های توطئه متعدد دیگری نیز وجود دارد. برای مثال در یک سایت اینترنتی که توسط یک صاحب‌نظر تئوری توطئه به نام جانانان وانکین (Jonathan Vankin) طراحی شده بیش از شصت نوع از تئوری‌های توطئه در میان گروه‌ها و افراد مختلف

هزار جلد کتاب دربارهٔ تئوری توطئه مربوط به ترور جان اف. کندی در کشور امریکا به رشته تحریر درآمده است [۱۱]. افراد زیادی مشتاقانه این موضوع را پیگیری می‌کنند و بر این اعتقادند که هنوز جزئیات محرمانه و اطلاعات فاش نشده بسیاری در این باره وجود دارد. یک تحقیق ملی انجام شده توسط نیویورک تایمز در سال ۱۹۹۲ نشان داد که ۷۷ درصد از افراد مورد مطالعه، درباره ترور جان اف. کندی دارای ذهنیت معطوف به توطئه بودند [۱۲].

امریکایی‌های افریقایی الاصل بر این باورند که اپیدمی ایدز یک توطئه عمدی به وسیله صاحب منصبان دولتی است [۱۳]. یک بررسی نشان داد که ۳۵ درصد از افراد معتقد بودند که ایدز یک نوع کشتار جمعی است و تحقیقی دیگر بیانگر این است که ۳۴ درصد از جواب‌دهندها معتقدند که ویروس ایدز ساخته بشر است [۱۴]. همچنین در این باره اظهار می‌شود که دولت آگاهانه ایدز را در میان جامعه سیاهپوستان به دست امریکایی‌های سفید پوست گسترش داد تا جمعیت سیاهان به خاطر شیوع این بیماری از بین برود. آن‌ها به عنوان دلیل به این مورد اشاره می‌کنند که بیماری‌ها به سرعت بین آنان شیوع پیدا کرد و موضع دولت نیز در طول تاریخ نشان داده که حساسیت خاصی در این باره وجود ندارد و در جهت کنترل و پیشگیری آن اقدام مطلوبی انجام نمی‌دهد [۱۵].

تئوری توطئه رایج دیگر موسوم به «شگفتی اکتبر» در سال ۱۹۹۱ بود. طبق تئوری مذکور این باور وجود داشت که جمهوری خواهان با مقامات عالی‌رتبه ایرانی دست به یکی شده‌اند تا آزاد کردن گروگان‌های امریکایی را تا بعد از انتخابات ۱۹۸۰ به تأخیر اندازند [۱۶]. در این زمینه گری سیک طی مقاله‌ای که در مجله نیویورک تایمز نوشت این مطلب را مطرح کرد که حمایت از ریگان در سال ۱۹۸۰ با توطئه رهبران روحانی ایرانی صورت گرفته بود تا گروگان‌های امریکایی در ایران نگه داشته شوند تا بدین وسیله زمینه تحقیر جیمی کارتر از یک طرف و زمینه تقویت پیروزی ریگان در انتخابات از طرف دیگر فراهم گردد [۱۷]. گرچه عده‌ای از این تئوری توطئه استقبال کردند، ولی عدم صحت آن با گذشت زمان روشن شد [۱۸]. نسبت دادن ترور مارتین لوترکینگ رهبر سیاهپوستان امریکا به توطئه افبی‌آی یکی دیگر از تئوری‌های توطئه شایع در جامعه امریکا است. از جمله تئوری‌های توطئه

یعنی یهودیان، اسرائیل، جوامع پنهانی و دولت‌های انگلیس و آمریکا می‌دانست. او انقلاب فرانسه را به توطئه‌گری کانون‌ها و جوامع پنهانی نظیر فراماسونرها، روشنفکران و صلیبیون نسبت می‌داد. برخی نقش راهب بارول را در مطالعات توطئه همانند نقش فون کلاس ویتس (Von Clausewitz) در مسائل استراتژیک و همانند نقش آدام اسمیت در مطالعات اقتصادی می‌دانند [۲۸].

آلمان به دلیل برخورداری از زمینه‌ها و شرایط مساعد، همواره در طول تاریخ بستر مناسبی برای رشد و رواج تئوری‌های توطئه بوده است. در دوران جنگ جهانی اول و پس از آن که مردم آلمان در پریشان حالی خاصی زندگی می‌کردند و دچار تحقیر هم شده بودند و به علاوه از لحاظ اقتصادی وضعیت فلاکت‌باری داشتند، و نیز مملکت خود را در معرض تجزیه هم می‌دیدند، ارائه تجزیه و تحلیل‌های توطئه‌باوران، جذابیت خاصی برای مردم آلمان داشت. براساس تبیین هیتلر از وضع موجود، گرفتاری مردم آلمان با سرزنش و نابودی دیگران حل و فصل می‌شد [۲۹].

در این باره، یهودیان عامل تمامی بدبختی‌ها و نابسامانی‌های مردم آلمان تلقی شدند. این نگرش توطئه‌باورانه نسبت به یهودیان، آن قدر نیرومند و فراگیر بود که ویلهلم بارها مدعی شد که بدبختی آلمان ناشی از عوامل پنهانی است که توطئه بزرگی را برای نابودی رایش تدارک دیده است. او فراماسونری جهانی را آلت دست یهودیان می‌پنداشت و این تشکیلات را مشوق اتحاد همه ملت‌ها علیه آلمان می‌دانست [۳۰]. همچنین ژنرال لودندورت در این باره معتقد بود که زعمای مخفی قوم یهود با همراهی و مساعدت سرویس‌های مخفی فرانسه و انگلستان، علیه آلمان‌ها فعال هستند و یهودیان در این خصوص خیانت عظیمی مرتکب شده‌اند [۳۱].

در فرهنگ سیاسی آلمان‌ها، این باور تثبیت شده بود که رهبران یهودی جهان یک توطئه بزرگ جهانی یهودی را برای نابودی آریایی‌گرایی سازمان داده‌اند. برای اجرای این توطئه برخی از یهودیان برای رهبری و هدایت دنیای سرمایه‌داری در نظر گرفته شده‌اند و جمعی دیگر از آنها نیز برای رهبری عملیات سوسیالیست‌های بین‌الملل و بلشویک‌ها انتخاب گردیده‌اند. توطئه‌باوران آلمانی برای تبیین این‌گونه ادعاهای خود، وجود «پروتکل‌های شیوخ

توطئه‌باور آمریکایی نشان داده شده است [۲۴].

ب- تئوری‌های توطئه در اروپا

تئوری‌های توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای اروپایی نیز به‌طور گسترده وجود دارد که در هر کدام از این کشورها ناشی از علل و عوامل خاصی بوده است. گروه‌ها و کانون‌هایی که از جانب توطئه‌باوران در معرض اتهام توطئه‌گری هستند متفاوتند. به نمونه‌هایی از این‌گونه تئوری‌های توطئه اشاره می‌کنیم:

در انگلستان نسبت دادن وقایع و حوادث به دست‌های پنهان و عاملان پشت پرده در بین برخی محافل و گروه‌ها از زمان جورج دوم در انگلستان وجود داشته است، به‌طوری که از کشته شدن جورج اول در هانور آلمان تحت‌عنوان تئوری توطئه یاد شده است [۲۵]. بنجامین دیزرالی (Benjamin Disraeli) که در دو دهه ۱۸۵۰ و ۱۸۶۰ میلادی نخست وزیر انگلستان بود به‌عنوان یک نویسنده ماهر و عضو پارلمان انگلستان در کتاب‌ها و آثار خود برخی وقایع را در چارچوب تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر توطئه‌باوری مورد بررسی قرار داده است و این‌گونه تحلیل‌ها را مبنا و اساس دسیسه‌های انگلستان برای سلطه و حاکمیت بر سایر کشورهای اروپایی قرار داده است [۲۶].

یکی از مشهورترین تئوری‌های توطئه در انگلستان، حادثه کشته شدن پرنسس دایانا همسر سابق ولیعهد انگلستان است. طبق این تئوری توطئه دایانا کشته نشد، بلکه به‌وسیله توطئه‌گران و دست‌های پنهانی به قتل رسید [۲۷]. علاقه بینندگان انگلیسی به برخی سریال‌های تلویزیونی مثل «ایکس‌فایلز» (X-Files) و «لبه تاریکی» (the edge of darkness) که موضوع اصلی آن‌ها توطئه‌های گوناگون مراجع و سازمان‌های رسمی است نشان از جذابیت تئوری‌های توطئه در این کشور دارد.

در فرانسه نیز انواع تئوری‌های توطئه رواج دارد. در این باره دیدگاه‌ها و نظریات راهب مشهور فرانسوی به نام راهب بارول جایگاه خاصی دارد. وی در چارچوب تئوری توطئه به تفسیر و تبیین انقلاب فرانسه پرداخت و تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر توطئه‌باوری وی مورد استقبال مردم قرار گرفت. او در تئوری‌های توطئه خویش، کانون‌ها، مراکز و گروه‌های توطئه‌گر را پنج کانون عمده

یکی از دلایل وجود این ذهنیت، در میان مردم این منطقه این است که مردم به لحاظ تاریخی میان دو امپراتور روسیه و آلمان قرار داشته‌اند و به خاطر وجود تلاطم‌ها و بحران‌های ناشی از این دو قدرت بزرگ، هیچ‌گاه تعیین‌کننده سرنوشت خویش نبوده‌اند و همیشه در یک جو احساس بدبینی و ناامنی نسبت به آن‌ها زندگی می‌کرده‌اند. مردم اروپای شرقی، دنیای پیرامون خود را به گونه‌ای تجربه کرده‌اند که یا حاصلی از اعمال بی‌حد و حصر این‌گونه کشورهای قدرتمند بوده است و یا ناشی از توطئه‌ها و اعمال پنهانی آن‌ها [۳۸]. طبیعی است که در چنین اوضاع و احوالی زمینه مناسبی برای رشد و رواج انواع تئوری توطئه وجود دارد. برای مثال، مردم رومانی به شدت دارای ذهنیت توطئه‌باور هستند و سوءظن شدید و بدگمانی با آداب و رسوم و فرهنگ سیاسی آن‌ها به طور گسترده عجين شده است، به طوری که در تجزیه و تحلیل حوادث و نگاه خود به رویدادهای پیرامون خویش، توطئه‌گران و دست‌های پنهان توطئه‌گر را بیش‌تر دخیل می‌دانند [۳۹].

۲. تئوری‌های توطئه در خاورمیانه

صاحب‌نظران تئوری‌های توطئه معتقدند که تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر توطئه‌باوری در کشورهای خاورمیانه در مقایسه با سایر کشورهای جهان رواج بیش‌تری دارد و اضافه می‌کنند که برای شناخت خاورمیانه آشنایی و آگاهی از تئوری‌های توطئه این منطقه لازم است؛ زیرا چنین پدیده‌هایی به عنوان کلید فهم و درک فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه، سراسر زندگی مردم از خصوصی‌ترین گفت و شنوهای خانوادگی تا بالاترین و مهم‌ترین اعمال سیاسی را دربر می‌گیرند [۴۰]. نسبت دادن حوادث و وقایع مهم سیاسی به دست‌های پنهان و اقدامات پشت پرده قدرت‌های بزرگ در ذهنیت خاورمیانه‌ای‌ها امری عادی و شایع است [۴۱]. یکی از صاحب‌نظران برای روشن‌تر کردن جایگاه تئوری‌های توطئه در خاورمیانه از تمثیلی استفاده کرده است. به نظر وی، فهم و تجزیه و تحلیل عمل سیاسی در خاورمیانه بدون در نظر گرفتن ذهن توطئه‌پندار، مانند فهم اقتصاد امریکا بدون اشاره به نقش وال استریت یا فهم سیاست‌های زمامداران شوروی بدون داشتن شناخت

صهیون» را به عنوان مهم‌ترین سند و مدرک ارائه می‌دادند [۳۲].

هیتلر در تبیین‌های توطئه‌آمیز خود معتقد بود که یک توطئه یهودی، تمامی دنیا را دربر خواهد گرفت. او با ارائه این تئوری توطئه، نقشه خود را برای ایجاد یک توطئه واقعی و تأسیس حزب نازی دنبال کرد و نازیسم را به عنوان ابزاری برای تسخیر و غلبه بر جهان به کار گرفت [۳۳]. نازی‌ها برای نیل به چنین هدفی، براساس شگردهای تبلیغاتی مختلف و با ایجاد جو اضطراب و ناامنی، تمامی بحران‌ها و مشکلات تاریخی را به گردن قوم یهود انداختند و این قوم را منحط‌ترین اقوام و ملت آلمان را بالاترین و بهترین ملت دنیا معرفی کردند. براساس شیوه تبلیغاتی دکتر گوبلز، هر روز بیخ گوش ملت آلمان خوانده می‌شد که اصلی‌ترین دشمن شما یهودیان هستند. او حتی حاکمان واشنگتن و مسکو را نیز دست‌نشانده یهودیان می‌دانست [۳۴].

از جمله تئوری‌های توطئه روسی می‌توان به برخی تبیین‌ها و تحلیل‌های اشخاصی چون لنین و استالین مراجعه کرد. لنین تاراج مواد اولیه کشورهای تحت سلطه توسط کشورهای سرمایه‌داری را در چارچوب تئوری توطئه تجزیه و تحلیل می‌کرد و از آن به عنوان توطئه‌ای برای سلطه بر جهان نام می‌برد [۳۵]. استالین هم تجزیه و تحلیل‌های بسیاری را براساس توطئه‌باوری ارائه می‌کرد که به عنوان نمونه می‌توان به مضمون نامه تسلیت او به همسر فرانکلین روزولت رئیس‌جمهور سابق امریکا اشاره کرد. استالین در این نامه بعد از چند سطر اظهار همدردی بر این نکته اشاره کرده بود که روزولت مسموم شده و با مرگ طبیعی نمرده است. ضمناً او آمادگی خود را برای هر گونه بازجویی که خانم روزولت در این باره بخواهد انجام دهد، اعلام کرده بود [۳۶].

استالین به دنبال ارائه این تبیین‌های توطئه‌باورانه، توطئه‌های واقعی زیادی را علیه دشمنان خود به کار بست؛ زیرا او با عینک توطئه‌باوری و ذهنیت پارانویدی خود دشمن را همه جا می‌دید و به دنبال حذف مخالفان و رقبای سیاسی خود بود و این جمله او که «من به هیچ کس حتی به خودم اعتماد ندارم» نمونه‌ای از افکار توطئه‌آمیز او است که سبب کشته شدن هزاران تن شد [۳۷].

در اروپای شرقی نیز تئوری‌های توطئه فراگیر است و

و آن‌ها را کانون عمدهٔ دسیسه و توطئه می‌پندارند. یکی از نویسندگان مصری در سال ۱۹۵۱ در این باره اظهار داشته است: «هیچ فرد انگلیسی وجود ندارد که عمداً اشتباه کند، چرا که او هر چیزی را روی اصول انجام می‌دهد؛ براساس اصول ملی‌گرایی با شما می‌جنگد؛ براساس اصول تجارت از شما دزدی می‌کند؛ براساس اصول سرمایه‌داری از شما بهره‌کشی می‌کند و بر مبنای اصول غرور شما را تهدید می‌کند» [۴۶].

یک گروه سیاسی بنام مصرالفتی (مصر جوان) که تأثیر زیادی بر جمال عبدالناصر داشته است، براین باور بوده که تا پیش از آن‌که مصر توسط انگلستان از بین رود در اوج قدرت و تمدن بوده است. اگر سیاست مداخله و تحریک دشمنان و ایجاد تفرقه بین گروه‌های سیاسی انگلستان اعمال نمی‌شد، مصر وضعیت خیلی بهتری داشت [۴۷].

از جمله مواردی که باعث شیوع تئوری توطئه در مصر شده، علاوه بر سیاست مداخله‌گرانه انگلستان، حمله ناپلئون به مصر و توطئه‌گری‌های صهیونیست‌ها و سیاست‌های مداخله‌گرانه آمریکا است. مثلاً برخی در مصر فعالیت تورسیم را از دیدگاه تئوری توطئه تحلیل کرده، اظهار می‌کنند که فعالیت جهانگردان در مصر سه هدف پنهانی دیگر نیز دنبال می‌کند و در این باره، شیوع فساد و فحشا، گسترش بیماری ایدز و جمع‌آوری اطلاعات برای سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه را ذکر می‌کنند [۴۸].

مطبوعات و رسانه‌های گروه عراقی نیز سرشار از شواهد تئوری‌های توطئه است. در این‌گونه رسانه‌ها همواره از اصطلاحات و کلماتی مثل توطئه امپریالیسم، جنایت رژیم صهیونیستی، استعمار غرب، خیانت به انقلاب، دشمنان، خائنان، مزدوران، نوکران، توطئه‌گران و غیره استفاده می‌شود [۴۹]. تئوری‌های توطئه در سخنان و اعمال صدام حسین کاملاً آشکار است و می‌توان شواهد زیادی را در این باره ذکر کرد. مثلاً وی حمله خود به کویت را به این صورت توجیه می‌کند که بنابه اظهار یک مقام امریکایی، کویت به دنبال اجرای طرحی برای نابودی و فروپاشی نظام اقتصادی عراق بوده است. سردمداران رژیم عراق، قطع حمایت واشنگتن از عراق در این زمان را دلیلی برای اثبات ادعای خود می‌دانند [۵۰].

از دیدگاه صدام، صهیونیسم یکی از کانون‌های اصلی توطئه‌گری است. به نظر وی هر امر مذموم و عمل زشتی که

نسبت به مارکسیسم لنینیسم است [۴۲].

ترس از توطئه و دست‌های پنهان در خاورمیانه، رواج گسترده‌ای دارد که نمونه‌ها و مصادیق آن را به فراوانی می‌توان در آثار، کتب و گفتار و گفتگوهای سیاسی پیدا کرد. از یک طرف، تئوری‌های توطئه در زندگی مردم خاورمیانه رویدادهای بزرگی مثل جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل را شامل می‌شود و از طرف دیگر، مسائل خصوصی زندگی افراد مثل استفاده ناراضیان از روش‌های ضدبارداری و صحبت‌های خصوصی بین افراد را نیز دربر می‌گیرد [۴۳].

به عقیده صاحب‌نظرانی چون زونیس و جوزف از دیدگاه خاورمیانه‌ای‌ها، اسباب بسیاری از موانع، ناکامی‌ها و شکست‌های سیاسی، نظامی اقتصادی و اجتماعی، کانون‌ها و مراکز توطئه‌گری چون سرمایه‌داری جهانی، صهیونیسم و بلشویسم است. به نظر آن‌ها شماری از این تبیین‌های مبتنی بر توطئه‌باوری پس از وقوع جنگ خلیج فارس رواج یافت و حمله عراق به کویت در این چارچوب مورد تعبیر و تفسیر قرار گرفت [۴۴].

همان‌طور که قبلاً ذکر کردیم، توطئه‌گران اصلی در تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر توطئه‌باوری در خاورمیانه عمدتاً متشکل از صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها هستند. سبب اصلی این امر نیز توطئه‌چینی‌ها و توطئه‌گری‌های واقعی آنان در مورد حوادث و رخدادهای دوره معاصر است که به نوبه خود موجب رواج گسترده تئوری‌های توطئه در منطقه شده است. البته در کنار این عامل، عوامل دیگری از قبیل ساختار سیاسی استبدادی حاکم در کشورهای خاورمیانه نیز تأثیر زیادی بر رشد و رواج تئوری‌های توطئه داشته است.

دخالت‌ها و توطئه‌های عینی کشورها و قدرت‌های بزرگ در طول قرن بیستم، در منطقه خاورمیانه آن چنان وسیع و گسترده و با استفاده از شیوه‌ها و شگردهای مختلف توطئه‌گری وجود داشته است که بدگمانی و سوءظن و ترس نسبت به این‌گونه قدرت‌ها را کاملاً منطقی و عقلانی جلوه داده و به دنبال خود تئوری‌های توطئه متنوعی را خلق کرده است [۴۵]. برای آشنایی بهتر با چنین ذهنیتی در خاورمیانه، نمونه‌هایی را در برخی از کشورهای این منطقه ذکر می‌کنیم:

مصری‌ها نسبت به انگلیسی‌ها نگاه خوش‌بینانه ندارند

سال ۱۹۹۲ از طریق روزنامه دولتی الجماهیر اشاره کرد که در آن‌ها سرهنگ قذافی به شدت مورد انتقاد قرار گرفته بود. بنا به ادعای برخی بعد مشخص شد که این مقالات از جانب خود قذافی نوشته شده و با هدف انحراف اذهان انتشار یافته است. قذافی همانند برخی از سیاهپوستان امریکایی معتقد است که ویروس ایدز ساخته و پرداخته سازمان سیا است و او ادعای برخی مبنی بر انتقال بیماری ایدز از میمون‌های افریقایی به انسان را قبول ندارد. به نظر او، سازمان سیا واکسن ایدز را در اختیار دارد، ولی حاضر نیست آن را در اختیار مردم افریقا قرار دهد [۵۷].

تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی معاصر ایران نیز با ابعاد و دامنه گسترده وجود دارد و از مسائل جزئی گرفته تا مشکلات و مسائل مهم مملکتی، طیف‌ها و گروه‌های مختلف جامعه را دربر می‌گیرد. اگر به گفتار و مکتوبات سیاسی معاصر ایران نگاه کنیم، صرف‌نظر از این که این نوشته‌ها و بحث‌ها از چه دیدگاهی نوشته یا مطرح شده‌اند، مسلماً به واژه‌ها و اصطلاحاتی برمی‌خوریم که پیوسته تکرار می‌شوند، مانند: «توطئه»، «عمال خارجی»، «جاسوس»، «خطر بیگانگان»، «دشمن»، «خائن»، «سرسپرده»، «وابسته»، «اسرار»، «مهره»، «نقشه»، «عروسک»، «آلت دست»، «پشت پرده»، «پشت صحنه»، «نوکران استعمار یا امپریالیسم»، «ستون پنجم»، «عوامل نفوذی»، «رویه مکار»، «دست پنهان»، و «مزدور بیگانه». این واژه‌ها و نظایر آن بخشی از تصویر بزرگ‌تر تجزیه و تحلیل‌های توطئه‌باورانه است که در گفتار و ادبیات سیاسی معاصر ایرانی وجود دارد. شواهد و نمونه‌های زیادی از تئوری‌های توطئه ایرانی را می‌توان در میان گروه‌های سیاسی و اجتماعی مختلف یافت که خود نیازمند تحقیق مستقل و مفصلی است [۵۸]. نمونه‌ها و شواهد زیادی از تبیین‌های مبتنی بر توطئه‌باوری را می‌توان در سایر کشورهای خاورمیانه ذکر کرد، اما ما به بیان این نمونه‌های اندک اکتفا می‌کنیم [۵۹].

به غیر از کشورهای مذکور، تئوری توطئه در سایر مناطق جهان نیز رواج دارد. برای مثال می‌توان به کشور مکزیک اشاره کرد. این کشور از یک طرف، دخالت‌ها و روابط سلطه‌آمیز با همسایه قدرتمند خود (امریکا) را در طی سالیان گذشته تجربه کرده است و از طرف دیگر به دلیل اعمال سانسور و عدم چرخش صحیح و شفاف

در منطقه خاورمیانه رخ می‌دهد، ناشی از دست‌های پنهان و اقدامات شرورانه صهیونیسم است [۵۱]. از طرف دیگر، ذهن توطئه‌باور صدام حسین و حساسیت او به تئوری‌های توطئه، زمینه مساعدی را در وی برای طراحی دسیسه‌ها و توطئه‌های واقعی ایجاد کرده است. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۷۹ هنگامی که صدام حسین به دنبال بهانه‌ای بود تا حزب بعث را از رقبا و دشمنان احتمالی خود پاکسازی کند، اعلام کرد که «در حزب ما خائن وجود دارد» و به دنبال آن بیست نفر از اعضای حزب بعث را اعدام کرد و از صحنه خارج ساخت. صدام حسین در اعمال توطئه‌گرانه خود از روش‌های مختلفی، مثل توطئه تصادف ماشینی یا سانحه هوایی بهره می‌گیرد. او بیش از دوازده تن از شخصیت‌های کشوری عراق از جمله عدنان خیرالله را با این‌گونه روش‌ها از میان برداشت و به هلاکت رسانید [۵۲]. وقتی زلزله مهیب اکتبر ۱۹۹۲ قاهره به وقوع پیوست، مطبوعات عراق آن را در چارچوب نگرش توطئه‌آمیز تحلیل کردند و ناشی از اقدامات و آزمایش‌های هسته‌ای اسرائیل و امریکا قلمداد کردند [۵۳].

در سوریه نیز می‌توان شواهد زیادی از تئوری‌های توطئه را در اذهان و گفتار مردم و رجال سیاسی آن کشور پیدا کرد. مثلاً حافظ اسد خود یکی از افراد توطئه‌باور بود. او در اظهاراتش از کلمات و اصطلاحات مربوط به تئوری‌های توطئه زیاد استفاده می‌کرد [۵۴]. مصطفی طلاس وزیر دفاع سوریه هم از افراد معتقد به تئوری توطئه است. او معتقد است توطئه‌گران «داگ‌هامرشلد» را ترور کردند و آنان انقلاب‌هایی چون فرانسه و روسیه را پدید آوردند. او همچنین فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را ناشی از توطئه می‌داند [۵۵].

در کشور لیبی و در میان رجال سیاسی از جمله در اعمال و اظهارات سرهنگ معمر قذافی نیز می‌توان نمونه‌هایی از تئوری‌های توطئه را پیدا کرد. به نظر وی، توطئه‌گران غربی از طریق روش‌های توطئه‌آمیز، عده‌ای از رهبران مزدور را در برخی از کشورها به قدرت رسانده و بر مردم حاکم ساخته‌اند. قذافی بر این باور است که کمونیست‌ها و برخی از برادران مسلمان، علیه انقلاب لیبی در حال تباری و توطئه هستند [۵۶]. قذافی برای تجدید حیات و تقویت قدرت خود، تئوری‌های توطئه را به کار می‌گیرد. در این باره می‌توان به انتشار سه مقاله متوالی در

توطئه‌باوران یکسان نبود و زمینه‌ها و عوامل رشد و رواج تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی جوامع گوناگون نیز تفاوت داشت. نکته دوم این‌که در دورانی که بحران، اضطراب و احساس ناامنی جوامع را فرامی‌گیرد، زمینه‌های خلق و پذیرش تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر توطئه‌باوری نیز رونق می‌یابد. بارزترین مثال در این باره، ارائه تئوری‌های توطئه متنوع دربارهٔ حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر امریکا است.

منابع

۱. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، جلد پنجم (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳)، ص ۶۲۵۸.
۲. برای اطلاع بیشتر از تعاریف توطئه نگاه کنید به: The Encyclopedia Americana, international ed, (New York: Americana Corp, 1990), p.642. Daniel Pipes, *The Hidden Hand: Middle East Fear of Conspiracy* (New York: Martin's Press, 1998), p.9. Charles Pigden, "Popper Revisited, or What Is Wrong with Conspiracy Theories", *Philosophy of the Social Sciences*, 1993, Vol.25, No.1, p.4. برای نمونه نگاه کنید به:
۳. Marvin Zonis, Craig M. Joseph, "Conspiracy Thinking in the Middle East", *Political Psychology*, Vol.15, No.3, 1994. p.444. Pipes, *The Hidden Hand...*, p.10.
4. Richard Hofstadter, *The Paranoid Style in American Politics and Other Essays* (Cambridge, 1996), pp.4-14.
5. Zonis & Joseph, *Conspiracy Thinking...*, pp.444-445.
6. Pipes, *The hidden hand...*, pp.251-257.
7. Ibid, pp.257-262.
8. Anita M. Waters, "Conspiracy Theories As Ethnosociologies: Explanation and Intention in African American Political Culture". *Journal of Black Studies*, Vol.28, No.1, 1997. p.112.
9. Hofstadter, *The Paranoid Style in American Politics*, p.8.
 ۱۰. برای اطلاع بیشتر در این باره رجوع کنید به: S.Parsons and W.Simmons and F.Shinoster and J.Kilburn "A Test of the Grapevine: An Empirical Examination of Conspiracy Theories Among African Americans" *Sociological Spectrum*, 1999, Vol.19. No.2. pp.201-222.
 11. Pipes, *Conspiracy: How Paranoid Style...*, p.1.

نگاه کنید به: رابرت دی مارو، رسوایی بزرگ قرن: افشای اسرار پشت پرده قتل جان اف. کندی رئیس جمهور پیشین امریکا، ترجمه حسین تقفیان (تهران: نشر نوید، ۱۳۷۱) و و.زورین، ماجرای قتل کندی، ترجمه و تلخیص رضا فرزانه (تهران: انتشارات زرین، ۱۳۵۶).

اطلاعات در جامعه، زمینه مساعدی برای رشد و رواج انواع تئوری‌های توطئه مخصوصاً در دوران بروز بحران و مشکلات داشته است. مثلاً وقتی در سال ۱۹۸۰ خشکسالی شدیدی مکزیک را فراگرفت، مردم مکزیک این پدیده را ناشی از توطئه ایالت متحده امریکا پنداشتند و حتی روزنامه‌های مکزیک با ارائه تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر توطئه‌باوری به این امر دامن زدند [۶۰]. در فرهنگ سیاسی کشورهای چین ویتنام، چین هم نمونه‌هایی از تئوری توطئه را می‌توان مشاهده کرد. در میان چینی‌ها، اعتقاد به وجود یک نیروی فراتر از اراده و کنترل انسان‌ها که سر رشته تمامی امور را به دست دارد، زمینه رشد و رواج تئوری توطئه در میان آنان را مساعد کرده است. آنان دشمنان خویش را در روابط فردی همیشه قوی می‌پندارند و نسبت به توطئه‌چینی و ضربه زدن این‌گونه افراد شدیداً بدگمان هستند. در فرهنگ ویتنامی‌ها نیز فریب و نیرنگ جزء ذات سیاست است. آن‌ها براساس این سوءظن و بدگمانی اغلب بر این باورند که چیزها همیشه آن‌گونه که ظاهراً به نظر می‌رسند نیستند. ویتنامی‌ها بر فریبنده بودن ظاهر امور تأکید دارند و زیر هر کاسه، نیم‌کاسه‌ای می‌بینند [۶۱].

نتیجه‌گیری

برای پاسخ به این سؤال که آیا تئوری توطئه صرفاً به منطقه یا کشورهای خاصی از دنیا تعلق دارد یا پدیده‌ای فراگیر و جهانی است، ابتدا به تعریف این پدیده و بیان ارکان سه‌گانه آن پرداختیم و از تئوری توطئه به‌عنوان شیوه‌ای از تفکر و تجزیه و تحلیل یاد کردیم که در آن، مهم‌ترین عامل مؤثر در تبیین وقایع و تفسیر حوادث، تأکید بر نقش توطئه‌گران و دست‌های پنهان است. تئوری توطئه از لحاظ مبانی تحلیل و مفروضات، با تحلیل‌ها و استنتاج‌های علمی تفاوت اساسی دارد.

در ارزیابی فرضیه پژوهش، با مطالعه و بررسی برخی شواهد در تعدادی از جوامع و کشورهای مختلف دنیا به این نتیجه رسیدیم که تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر توطئه‌باوری پدیده‌ای است فراگیر و گسترده که در کشورهای مختلف جهان کم و بیش وجود دارد. در این باره دو نکته قابل توجه است. اول این‌که در نمونه‌ها و مثال‌های مورد مطالعه، مصادیق مربوط به توطئه‌گران و

37. Daniel Pipes , "Dealing with Middle Eastern Conspiracy Theories", *Orbis*, winter 1992. pp.41-56.
38. Zonis and Goseph, *Conspiracy Thinking ...*, p.447.
39. *Ibid*, p.446.
40. Pipes, *the Hidden Hand ...*, p.1.
41. L.Carl Brown, *International Politics and the Middle East: Old Rules, Dangerous Games* (Princeton: Princeton University Press, 1989), p.233.
42. Pipes, *The Hidden Hand...*, p.2.
43. *Ibid*, p.4.
44. Zonis and Joseph, *Conspiracy Thinking ...*, p.45.
45. Pipes, *The Hidden Hand...*, p.103.
46. Pipes, *Dealing with Conspiracy...*, p.53.
47. Pipes, *The Hidden Hand...*, p.300.
48. *Ibid*. p.176.
49. Pipes, *Dealing with Conspiracy...*, p.44.
50. Pipes, *The Hidden Hand...*, p.25.
51. *Ibid*, p.194.
52. *Ibid*, pp. 24-25.
53. *Ibid*, p.180.
54. برای اطلاع از مثال‌ها و شواهد مربوط به حافظ اسد به فصول مختلف کتاب «دست پنهان» دانیل پاییز رجوع شود.
55. Pipes, *The Hidden Hand...*, p.104.
56. *Ibid*, pp. 177-178.
57. روزنامه همشهری، مورخ ۱۳۸۰/۲/۹، ص ۱۶.
58. برای اطلاع از شواهد و نمونه‌های تنوری توطئه ایرانی نگاه کنید به: پروانده ابراهامیان، «فکر توطئه چینی در فرهنگ سیاسی ایران»، کنکاش، چاپ خارج از کشور، دفتر هفتم، تابستان ۱۳۶۹، صص ۹۵-۱۰۴. احمد اشرف، «توهم توطئه»، گفتگو، شماره ۸، تابستان ۱۳۷۴، صص ۴۵-۷. همچنین رجوع کنید به متن انگلیسی تجدیدنظر شده مقاله احمد اشرف با مشخصات زیر:
- Ahmad Ashraf, "The Appeal of Conspiracy Theories to Persians", in *Princeton Papers: Interdisciplinary Journal of Middle Eastern Studies*, Vol.5. 1996. pp.65-90.
59. نگاه کنید به:
- Robins and Jerrold, *Political Paranoia...*, pp. 59-57.
60. *Ibid*, pp. 59-60.
61. *Ibid*, p. 61.
12. Ted Goerzel, "Belief in Conspiracy Theories", *Political Psychology*, No.15. 1999. pp.733-744.
13. K.D. Bates, "Is It Genocide?" *Essence*, September, 1999, pp.76-117.
14. Goertzel, *Belief in Conspiracy...*, pp.1-2.
15. Waters, *Conspiracy Theories...*, p.113.
16. J.Barrlg, *Making of a Myth*, *Newsweek*, November /11/1991, pp.18-26.
17. Pipes, *Conspiracy: How the Paranoid Style...*, p.13.
18. Geortzel, *Belif in Conspiracy...*, p.2.
19. Zonis and Joseph, *Conspiracy Thinkin...*, p.444.
20. Peter Kinght, *Conspiracy Culture: From Kennedy to the X-Files* (London: Routledge, 2000), p.222.
21. Geortzel, *Belif in Conspiracy...*, P.2.
22. Zonis and Joseph, *Conspiracy Thinking...* p.444.
23. Robert Robins, Post Jerrold. M, *Political Paranoia The Psychopolitics of Hatred* (New Haven: Yele University Press, 1997), pp.21-24.
۲۴. برای اطلاع بیشتر در این باره رجوع کنید به: آدرس (WWW.Conspire.Com). و همچنین نگاه کنید به: George Johnson, *Architects of Fear* (Los Angeles: Jeremy P.Tarcher, Inc, 1983).
25. Pigden, *Popper Revisited...*, pp.10-11.
26. Pipes, *Cinspiracy: How the Paranoid Style Flourishes & Where It Comes from*, Interview, www.danielpipes.org/talks/1998/125.html. pp.14-15.
27. Russele Watson, "Calling Oliver Stone", *Newsweek*, 10.27.97, Vol.130. No.17. p.40.
28. Pipes, *Conspiracy: How the Paranoid Style...*, p.10.
29. Robins and Jerrold, *Political Paranoia...*, p.6.
۳۰. ژان کلود فر، سالکان ظلمات، کاوش در سرچشمه‌های باطنی نازیسم، ترجمه هوشنگ سعادت (تهران: انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۶۲) ص ۶۵.
۳۱. همان، ص ۶۶.
۳۲. فرانتس نویمان بهیموت، ساختار و عملکرد ناسیونال سوسیالیسم، ترجمه محمدرضا سوداگران (تهران: دنیای مارد، ۱۳۷۰) ص ۱۴۰.
33. Pipes, *Conspiracy: How the Paranoid Style ...*, p.6.
۳۴. اتوفریدمان، روان‌شناسی در خدمت سیاست، ترجمه جلال نعمت‌الهی (تهران: انتشارات پیمان، ۱۳۶۳)، صص ۹۶-۹۵.
35. Pipes, *Conspiracy: How the Paranoid Style ...*, p.6.
36. Robins and Jerrold, *Political Paranoia ...*, p.1.

